گفتار سیاستمدار

موضع‌گیری پزشکیان درباره حجاب و اینترنت در مناظره سوم

گروه خبر: مسعود پزشکیان، کاندیدای اصلاح‌طلبان در انتخابات چهاردهمین دوره ریاست‌جمهوری در مناظرات شب گذشته درباره موضوع حجاب زنان گفت: «به تصور من قدم اول از مهدکودک و مدرسه شروع می‌شود و باید آموزش را از آنجا شروع کنیم و نگاه برابر و توانمندی را از آنجا آموزش دهیم. اگر آموزش دهیم تنش‌ها و مشکلات به وجود نمی‌آید. من در زندگی خودم ۴ بچه داشتم اما من و همسرم درس می‌خواندیم. یک شب او کشیک بود و من بچه‌ها را نگه می‌داشتم و یک شب او بچه‌ها را نگه می‌داشت. با هم بالا آمدیم و با هم کار کردیم.» او با بیان اینکه با هرگونه برخورد خشن با هر انسانی مخالفم، چه رسد به زن، افزود: «اگر در مقابل این برخورد با دختران و زنان، در خیابان اعتراض شود، گاهاً پرونده‌هایی هم برای آدم درست می‌کنند. در حقیقت ما این دختران و خانم‌ها را تربیت کردیم نه بیگانگان. با هر گونه زورگویی یا برخورد خشن مخالف هستم. چرا در مقابل برخوردهایی که در خیابان می‌شود یا جلوی ماشین‌ها گرفته می‌شود، اعتراض نکردیم؟» پزشکیان با اشاره به اینکه همه خانواده من با حجاب و چادری هستند، تاکید کرد: «اما سوال این است که اگر کسی نخواهد این پوشش را داشته باشد باید با او برخورد کنیم؟ ما که نتوانستیم تا این سن آنها را هدایت کنیم و هزینه زیادی برای مراکز دینی و مذهبی کردیم، با این روش‌ها می‌توانیم درستشان کنیم؟ تصور می‌کنیم با برخورد و گرفتن آنها درست می‌شوند؟ آدم خجالت می‌کشد برخی رفتارها را می‌بیند.» او افزود: «ما باید نگاه‌مان را نسبت به زنان و اینکه درجه دو هستند و باید در خانه باشند اصلاح کنیم و در جایگاه‌ها و پست‌ها به آنها توجه کنیم. در عمل باید این کار را بکنیم وگرنه الان که دوره انتخابات است همه می‌گوییم این کارها را می‌کنیم. در بسیاری از مسائل قصور داریم و باید نوع رفتارمان را با آنها تغییر دهیم. چرا این دختران ما به این شکل درآمدند؟ پس از فوت همسرم در بحث با دخترم کوتاه می‌آمدم. اگر می‌خواستم با زور و تحکیم برخورد کنم این نمی‌شد. مجبور بودم با آنها کنار بیایم و گفت‌وگو کنم. بدون گفت‌وگو و بدون قانع کردن با زور و دستور و قانون رفتار عوض نمی‌شود. همانطور که در گذشته نتوانستند حجاب را به زور از سر زنان بردارند، نمی‌توانیم ما با زور حجاب را بر سر زنان بپوشانیم. در دانشگاه‌ها و مدارس دختران، کسانی را گذاشتیم که سواد و علمش را ندارند. با روش‌هایی که با زنان و دختران برخورد می‌کنیم، آنها را عقده‌ای می‌کنیم؛ حق برخورد اینگونه را با جوانان‌مان نداریم.» پزشکیان تاکید کرد: «حالا همه با فیلترینگ و لایحه حجاب مخالف شده‌اند. پس این حجاب‌بان‌ها را چه کسی گذاشته است. اینترنت را باید آزاد کنیم توئیتر محل آموزش و تبادل خبر و فرهنگ است. جلوی محدودیت‌های اینترنت ایستادگی خواهم کرد. فیلترینگ باعث شکل‌گیری کاسبی فروش فیلترشکن شده است. خرج ماهانه تلفن اگر ۵۰ هزار تومان شود، ۲۰۰ هزار تومان هزینه خرید فیلترشکن می‌شود. ضمن اینکه افزایش میزان استفاده از فیلترشکن باعث دسترسی آسان‌تر به شبکه‌های مستهجن شده است. فاصله بخش زیادی از مردم، زنان و دختران با ما بیشتر شده و هر روز هم بیشتر شده؛ جوری شده که خیلی از زنان جرأت نمی‌کنند با حجاب بیرون بیایند.»

ادامه از صفحه یک

۲ **سعید جلیلی؛** نامزدی که با سخنانی کلی و اصطلاحاتی چون «عمق راهبردی» و کلماتی مانند «فرصت و ظرفیت» شناخته می‌شود در مناظرهٔ دوم دو تصویر متفاوت از خود نشان داد. یکی همان تصویر قبلی و کلی و دیگری اما مسلط به برخی مباحث تا جایی که در زمینهٔ نظام سلامت سخنان او از سه نامزد که خود پزشک هستند، قابل تأمل‌تر و دقیق‌تر بود. در این بخش این او بود که دیگران را از باید و نباید برحذر می‌داشت. ضمن اینکه یادآور شد امید به زندگی و سن ایرانیان در ۴ دههٔ گذشته و در عصر جمهوری اسلامی ۲۰ سال افزایش یافته و گسترش خدمات بهداشتی و درمانی و توسعهٔ شبکهٔ بهداشت را به‌عنوان اقدامی مهم ستود موضوع دیگری را پیش کشید که توجه‌برانگیز بود. در فقرهٔ نخست البته انصاف ایجاب می‌کرد از دولت‌های سازندگی و اصلاحات مشخصاً یاد کند ولی چنین نکرد. آن روی سکه اما این بود که گفت روزانه ۱۲۰۰ تن از هم‌وطنان از دنیا می‌روند و اگرچه مرگ، حق است و همه می‌میرند اما ۴۰ تا ۴۵ درصد از این مرگ‌ها قابل پیشگیری است یا در سن پایین‌تر از متوسط عمر ایرانیان اتفاق می‌افتد و در این بخش‌ها مانه با جلیلی‌ای که در فضا و اوهام سیر می‌کند که با یک چهرهٔ زمینی و درگیر آمار و واقعیت روبه‌رو بودیم. با این حال موضوعی که مصطفی ورمحمدی به او نسبت داد چنان بر نقش او در مناظره سایه انداخت که این مباحث را به حاشیه بُرد. خاصه اینکه درصدد انکار و تکذیب آن هم بر نیامد و در بند بعد به آن می‌پردازم.

۳ **مصطفی پورمحمدی؛** پیش‌بینی می‌شد که پورمحمدی متفاوت و صریح باشد و از اطلاعات سیاسی و امنیتی و قضایی و فن بیان به سبب روحانی بودن بهره ببرد و چنین هم کرد. تمام مناظرهٔ ۴ ساعته در واپسین شب بهار ۱۴۰۳ یک طرف و آن دو سه جملهٔ او یک طرف که دربارهٔ پیوستن ایران به گروه ویژهٔ اقدام مالی یا «اف‌ای‌تی‌اف» گفت به‌عنوان وزیر دادگستری در سال ۱۳۹۵ در نشستی با موضوع پول‌شویی در جلسهٔ شورای عالی امنیت ملی شرکت کرده و خواستار تعیین تکلیف پیوستن ایران به این گروه ویژه شده و در حاشیه سعید جلیلی به او گفته اگر شما متولی آن باشید ما مشکلی نداریم ولی با اینها نه. یعنی نمی‌خواسته به دولت روحانی امتیازی بدهد. این فاش‌گویی به اندازه‌ای بازتاب داشته که برخی به تندی بر جلیلی تاخته و او را متهم کرده‌اند معیشت و رفاه مردم را به خاطر اغراض سیاسی به گروگان گرفته بودند.

پورمحمدی ادعای محمدباقر قالیباف را هم در این باره که افزایش فروش نفت ثمرهٔ مصوبهٔ قانون راهبردی بوده رد کرد و حتی از سخن ظریف یک گام جلوتر رفت و به جنگ اوکراین و جاده ابریشم تازه هم ربط داد. این در حالی است که قالیباف در دفاع از آن مصوبه گفت موجب افزایش فروش نفت از ۳۰۰ هزار بشکه به یک و نیم میلیون بشکه در روز شد. سعید جلیلی البته این اتفاق را به طرح پیشنهادی خود به رئیس جمهور فقید ربط داد و تلویزیون هم احتمالاً به سفارش برادرِ سعید جلیلی انیمیشنی ساخته که در آن توضیح می‌دهند چگونه توانستند نفت بیشتری بفروشند و محصلی را مثال آورده که برای بوفه مدرسه ساندویچ درست کرده بود و بوفه‌دار نپذیرفت و او خود با قیمت مناسب بین بچه‌ها توزیع کرد! سکوت قالیباف در مقابل پورمحمدی این شائبه را تقویت کرد که او قصد ماندن تا انتها را ندارد منتها نمی‌خواهد به سود جلیلی هم باشد. پورمحمدی نقدی را هم متوجه پزشکیان و دوستان او کرد تا این گمانه درنگیرد که نامزد پوششی است و در مثال فوتبالی نقش هافبک یارکوب را بازی می‌کند تا پزشکیان بتواند گل به ثمر برساند بلکه خود را مهاجم نوک می‌داند با قابلیت گل زدن کما اینکه بیرون مناظره هم جایی گفته است هیچ‌کس آمادگی نداشته جز آقای جلیلی که همیشه در سایه بوده درحالی که ما آن‌قدر در آفتاب بوده‌ایم که سوخته‌ایم و ایران کشور آفتاب است نه سایه!

۴ **محمدباقر قالیباف؛** در مناظرهٔ دوم هم به‌گونه‌ای ظاهر شد که دو برداشت کاملاً متناقض شکل گرفته است. اول اینکه چنان به خود مطمئن است که از حالا ژست ریاست‌جمهوری گرفته و قصد کل کل با دیگرانی را ندارد که باید با آنها کار کند. یکی در مجلس شمار قابل‌توجهی از نمایندگان را هدایت می‌کند، دیگری شهردار تهران است و سومی می‌تواند وزیر کشور یا اطلاعات یا دادگستری او باشد و چهارمی همچنان رئیس بنیاد شهید بماند و برای سعید جلیلی هم باید تدبیری بیاندیشد تا بیش از این در سایه نماند. به خاطر همین با قالیباف دست‌پاچه و مضطرب سال‌های ۹۲ و ۹۶ فاصله داشت. برخی می‌گویند همان است منتها طرف او- حسن روحانی- نیست و تغییر رفتار و گفتار به این خاطر است. روایت و تحلیل دیگر اما این است که قالیباف اساساً برای ماندن نیامده بلکه بنا به ملاحظاتی یا توصیه‌هایی حاضر شده و ششم تیر کنار خواهد رفت منتها نه به نفع فرد مشخصی و اگر لحن او درباره روحانی و پزشکیان در مناظره‌ها کاملاً محترمانه است از این روست و دیدیم که با پزشکیان هیچ تقابلی ندارد یا بروز نمی‌دهند و همین ظن دوم را تقویت می‌کند وگرنه با فرض اول سکوت پزشکیان سؤال‌برانگیز می‌شود. تنها چالشی که متوجه قالیباف شد همان نکتهٔ نفتی پورمحمدی بود که درصدد دفاع و توضیح آن هم برنیامد. با این حال با قطعیت نمی‌توان گفت رفتار متفاوت او به خاطر اطمینان نسبی است یا قصد کناره‌گیری، چون در پایان مناظره ۵ برنامهٔ رفاهی و اجتماعی خود را این‌گونه برشمرد: اول: افزایش حقوق کارمندان. دوم: اعطای زمین رایگان و واحدهای استیجاری به زوج‌ها در سه سال اول. سوم: خودرو برای جوانان و تأمین آن با واردات خودروهای نو و کارکرده. چهارم: دیوارکشی در مرزهای شرقی با دو کشور همسایه- پاکستان و افغانستان- و پنجم: توسعهٔ سواحل عمان با مکران و به شکل غیرمستقیم مانند دوبی در این منطقه. معمای اصلی اما درباره او همچنان باقی است و در مناظرهٔ سوم به قاعده باید بیشتر مشخص شده باشد که ماندنی است یا نه. چون اگر قرار بر کنار کشیدن آن دو نامزد دیگر (زاکانی و قاضی‌زاده) باشد به سود جلیلی محتمل‌تر است تا قالیباف.

۵ **مسعود پزشکیان؛** ۲۴ ساعت بعد از تنش در میزگرد فرهنگی شبکه دوم سیما با ظاهری شبیه‌تر به اکثر مردان ایرانی در برنامه حاضر شد و همچنان از ضرورت همکاری گفت. او تنها در قبال ادعای «دولت سوم روحانی» از خود دفاع کرد و گفت: وزیر دولت خاتمی بوده و رئیس‌جمهوری پیشین را از این حیث هم ستود که اگرچه او عضو حزبی نبوده (و گرداگرد رئیس‌جمهوری اصلاح‌طلب پزشکان سیاسی حضور داشته‌اند) براساس شایسته‌سالاری و رضایت از طرح خانه‌های بهداشت برای وزارت در نظر گرفته شد. هر قدر قاضی‌زاده و زاکانی کوشیدند به استناد مشاوران او را به حسن روحانی رئیس‌جمهوری پیشین ایران منتسب کنند او از خاتمی گفت و اینکه وزیر او بوده و در فضای مجازی تعبیر دولت سوم خاتمی رایج شد. توقع‌ها از پزشکیان متنوع و متناقض و کار او سخت است. از یک سو انتظار تند کردن فضا را دارند و از جانب دیگر در لایه‌های انقلابی و مذهبی هم پایگاه دارد و از این رو با تأکید بر قانون برنامه و سیاست‌های کلی سیمای یک مدیر ارشد اجرایی را از خود ترسیم می‌کند و در عین حال یک جا بحث وزیر جهاد کشاورزی در همین دولت را پیش کشید و پروندهٔ چای دبش را و قاضی‌زادهٔ هاشمی که خود را مدافع و میراث‌دار دولت آقای رئیسی می‌داند مدعی شد خود دولت گزارش آن را پیگیری می‌کرده و البته چنانچه پزشکیان قصد توقف بر این موضوع را داشت می‌توانست یادآور شود اگر چنین قصدی در میان بود از او نمی‌خواستند جلوتر استعفا کند و سخنگوی دولت در مقام تکذیب اتهامات انتسابی بر نمی‌آمد و مهم‌تر از همه اینکه رئیس قوهٔ قضاییه فاش کرد درخواست اعمال ماده ۴۷۷ آیین دادرسی کیفری برای او شده که به موجب آن چنانچه رئیس دستگاه قضا به این تشخیص برسد که خلاف شرع بین صورت گرفته به محکمه‌ای دیگر ارجاع می‌دهد. از پزشکیان همچنین انتظار می‌رفت با توجه به تخصص دربارهٔ نظام سلامت ایده‌ها و راهکارهای مشخص‌تری ارائه دهد اما به ذکر چندبارهٔ سابقه بسنده کرد.

۶ **علیرضا زاکانی؛** گل سرسبد مناظره دوم از حیث اخلاق و ادب البته شهردار فعلی تهران بود که مشخص نشد چرا اصرار دارد از احمدی‌نژاد سال‌های ۸۴ و ۸۸ تقلید کند؟ درحالی‌که با شگردهای او هم به نیکی آشنا نیست. اگر احمدی‌نژاد از پول نفت سر سفره گفته بود زاکانی وعدهٔ طلایی معادل ۲۲ میلیون تومان داده و اگر احمدی‌نژاد در مناظره با مهندس موسوی آخرین نخست‌وزیر ایران را نمایندهٔ هاشمی‌رفسنجانی دانست زاکانی هم کوشید پزشکیان را به روحانی پیوند بزند و بعد تصاویری از روحانی سوار بر اتومبیل یا جای دیگر را نشان داد که یادآور تکرار کمیک یک تراژدی بود و کافی است تصور کنیم آن سانحه برای آقای رئیسی رخ نداده بود و سال دیگر مثلاً رقیبی عکس ایشان را سوار بالگرد نشان می‌داد و نشانهٔ ناساده‌زیستی می‌دانست؛ همین قدر بی‌ربط. تقلاهای زاکانی اما نتیجه نداد چراکه خود روحانی می‌تواند دفاع کند و پزشکیان نیز همچنان در اصطلاح فوتبالی‌ها در حال ارزیابی است و شاید در مناظره سوم برگی رو کرده باشد اگرچه به‌عنوان میانجی وارد شده نه منجی.

در مجموع چهرهٔ اصلی مناظره دوم پورمحمدی بود که با پیش کشیدن بحث اف‌ای‌تی‌اف و اینکه به خاطر روحانی موافقت نشد و با اصل آن مشکل ندارند جلیلی را در گوشه رینگ قرار داد. در بقیه مواقع حس نمی‌شد رینگی در کار است و باید دید در مناظره سوم چه اتفاقی رخ داده و پورمحمدی همچنان با دست پر وارد می‌شود و قالیباف و پزشکیان کماکان چراغ خاموش حرکت می‌کنند یا نه.

۲ تیتر یک
HEADLINE ONE

گزارش یک

در راه خاتمی

بررسی حملات اصولگرایان به مسعود پزشکیان و پاسخ وی به نامزدهای رقیب

محسن صالحی‌خواه
گزارشگر هم‌میهن

دومین مناظره ریاست‌جمهوری برگزار شد و بار دیگر نامزد اصلاح‌طلبان در معرض حمله قرار گرفت. مسعود پزشکیان که سابقه وزارت بهداشت دولت سیدمحمد خاتمی را در کارنامه‌ی خود دارد و تعدادی از دولتمردان حسن روحانی را نیز در امور ستادی و مشاوره‌ای به کار گرفته است، از باب تعلق داشتن به اردوگاه اصلاحات مورد هجمه قرار می‌گیرد. سه بخش از صحبت‌های پزشکیان مورد توجه قرار گرفت. این نامزد انتخابات در جایی از مناظره با بیان اینکه وضعیت سفره مردم در زمان آقای رئیسی روزبه‌روز بدتر شده است؛ گفت: من وزیر دولت آقای خاتمی بوده‌ام، از نظر اقتصاد و شاخص و عدد و رقم نگاه کنید ببینید آنجا ثبات بیشتر بوده یا این حرف‌هایی که مطرح می‌شود؛ علت اینکه ما به اینجا رسیدیم این است که بی‌خود با هم دعوا می‌کنیم و خیال می‌کنیم که بهتر هستیم».

پزشکیان در واکنش به دیگر نامزد انتخابات درباره حضور برخی افراد در ستاد انتخاباتی‌اش اظهار کرد: «هر کسی به ستاد من بیایید من او را می‌پذیرم برای اینکه می‌خواهم رای بگیرم اما به آنچه عمل می‌کنیم که سیاست‌های کلی ابلاغی رهبری است و این خط قرمزی است که ما رعایت می‌کنیم.»

مسعود پزشکیان درباره انتخاب خود به مقام وزارت نیز گفت: «به رغم اینکه عضو هیچ حزبی نبودم، در دولت آقای خاتمی وزیر شدم و کار کردم و برای همه مدرک وجود دارد و شاخص‌های آن موقع هم مشخص است. افراد بسیاری وجود داشتند که می‌توانستند عهده‌دار این مسئولیت شوند. من کار کردم و عملکردم نیز وجود دارد شاخص‌های آن زمان نیز با شاخص‌های امروز در روند خدمت به مردم و فقرا و نگاه به آنها اصلاً قابل مقایسه نیست.»

در حال حاضر رقبای پزشکیان سعی می‌کنند با تشبیه او به روحانی و خاتمی، باعث ریزش آرای او شوند. اما با توجه به وضعیت فعلی کشور، برخی معتقدند که این حملات به مسعود پزشکیان، در واقع تبلیغی برای او محسوب می‌شود. چراکه مقایسه امروز با دوره روحانی به‌خصوص دوران اجرای برجام تا سال ۹۸ و شاخص‌های دوران سیدمحمد خاتمی نشان‌دهنده اوضاع بهتر از امروز است.

دولت خاتمی سرافرازترین دولت است

عبدالله رمضان‌زاده، سخنگوی دولت اصلاحات، به خبرنگار هم‌میهن گفت: «طرف مقابل دستش برای زدن پزشکیان خالی است. برای همین تلاش می‌کند با بعضی خاطرات تلخی که از دوران آقای روحانی وجود دارد، برای زدن او استفاده کنند. اما آقای روحانی هر طور که عمل کرده باشد، نسبت به عملکرد دولت سیزدهم قابل دفاع است. ولی آقای پزشکیان در این تله نیفتادند و گفتند که من وزیر دولت خاتمی بودم و اشاره کردند به دوران سرافرازی دولت در ایران که به نظرم روش خوبی برای شبهه‌ای بود که دوستان ایجاد کردند. هر دولتی که با دولت آقای رئیسی مقایسه شود، موفق‌تر عمل کرده است. مردم این را با گوشت و پوست و استخوان خود لمس می‌کنند. نمی‌دانم چه کسانی به این دوستان ارزشی و انقلابی مشاوره می‌دهند که فکر می‌کنند با تشبیه پزشکیان و دولتش به روحانی و خاتمی دارند به ضرر او کار می‌کنند. استراتژی اشتباهی در پیش گرفته‌اند.»

استاد بازنشسته علوم سیاسی دانشگاه تهران تاکید کرد: «از روز اول که اسامی اعلام شد، قابل پیش‌بینی بود که دو نفر برای هتاکی تائید صلاحیت شدند. کسانی که نه وجهه‌ای دارند و نه رای قابل ملاحظه‌ای در سبدشان است. فقط آمده‌اند که به آقای پزشکیان بپردازند.»

رمضان‌زاده در توضیح اینکه چرا پزشکیان با افتخار از دوران وزارت خود در دولت خاتمی یاد می‌کند؟ گفت: «دوران خاتمی از لحاظ مختلف سرآمد بود. خاتمی با شعار جامعه مدنی وارد صحنه شد اما موفق‌ترین کارنامه اقتصادی در ایران پس از انقلاب را از خود به یادگار گذاشته است. تمام آمار و ارقام آن دوران و صحبت‌های اقتصاددانان موجود است که در هشت سال مسئولیت خاتمی، نرخ رشد اقتصادی، کاهش نرخ تورم، کاهش نرخ بیکاری، نرخ اشتغال و نرخ رشد صنعتی بالاتر از تمام دولت‌ها بوده است. ضریب جینی (شاخصی برای نشان دادن نابرابری درآمد در جامعه) به زیر ۴۰ درصد رسید درحالی که منابع ارزی کشور با نفت ۹ دلاری تامین می‌شد. اگر بخواهم مصداقی این موضوع را شرح دهم، سال ۱۳۷۸ من استاندار کردستان بودم که آقای شریعتمداری وزیر وقت بازرگانی، با من تماس گرفتند و گفتند که به خاطر نداشتن درآمد ارزی، ذخیره آرد رو به اتمام است و سه روز را تامین می‌کند. هر کاری می‌توانید بکنید که از عراق یا کردستانِ عراق آرد وارد کنید. این شرایط را داشتیم اما کشور اداره می‌شد و رضایت نسبی مردم نیز وجود داشت.»

این تحلیلگر سیاسی ادامه داد: «کشور مشکل داشت اما وضعیت پرداخت یارانه‌ها از طریق افزایش قیمت بنزین به صورت پیش‌بینی‌شده و با اعلام قبلی، خوب بود. در قانون بودجه سالانه ۱۰ درصد به قیمت حامل‌های انرژی اضافه می‌شد و مردم نیز در جریان آن قرار می‌گرفتند. به مرور قیمت حامل‌های انرژی در حال واقعی شدن بود و درآمدهای دولت نیز صرف اموری مانند سیستم اتوبوسرانی، تامین اجتماعی و آغاز بیمه همگانی در کشور مصرف می‌شد. خاتمی نگاه حزبی نداشت. مثلاً در همان دوره با جمع کردن اقتصاددان‌های کشور با نگاه‌های مختلف، از آن‌ها درباره بیماری‌های اقتصاد ایران نظرخواهی کردند و راه‌حل‌هایشان را شنیدند. از مجموع این گفت‌وشنودها طرح ساماندهی اقتصاد ملی

گزارش دو

رویافروشی ادامه دارد

بررسی وعده‌های نامزدهای تندرو در مناظره دوم

شادی مکی
گزارشگر هم‌میهن

پنجشنبه‌شب، دومین مناظره کاندیداهای ریاست‌جمهوری با تمرکز بر «خدمت عدالت‌محور دولت» برگزار شد؛ مناظره‌ای که با توجه به گستره ابعاد اقتصادی آن حائز اهمیت بود. با این حال در این مناظره آنچه از سوی کاندیداهای اصولگرا، به‌ویژه کاندیداهای پوششی عنوان شد، چنان بود که برخی آنها را به توهم شبیه کردند؛ مانند وعده یارانه طلایی زاکانی و سعی در دلخوش‌سازی مردم به ارائه طلا به جای پول به مردم. قاضی‌زاده‌هاشمی هم شاغل کردن حتی یک نفر از اعضای خانواده را از خدمات دولت خود عنوان کرد؛ وعده‌ای که مشخص نشد نقش سایر افراد خانواده در اشتغال را چگونه تبیین خواهد کرد. آیا برای اشتغال باید خانواده در نظر گرفته شود یا افرادی که در سن اشتغال قرار دارند. ارائه سبد غذایی به مردم هم وعده جلیلی بود. قالیباف هم دادن یک «رفاه‌کارت» درمان و معیشت و تامین کالاهای اساسی را تضمین کرد. در این بین همه این چهار نفر بر تداوم پرداخت یارانه به مردم تاکید داشتند، هر یک به شکلی، به‌شیوه‌ای که گویا این اصل محوری در برنامه‌های اقتصادی افراد مذکور است. یکی از مهم‌ترین نکات مستتر در وعده‌های این افراد البته نگاه خیریه‌ای به مردم و اقتصاد کشور بود. تضمین یارانه و سبدهای مختلف رفاهی به جای ارائه برنامه برای توسعه و رونق اقتصادی کشور تا شهروندان از رهگذر چنین اقتصادی به نیازهای زندگی خود دست یابند. با توجه به اهمیت این وعده‌ها که البته بخش بزرگی از جامعه نسبت به غیرتخصصی بودن آنها آگاهی دارند، ضروریست نقطه‌نظرات کارشناسان نیز درباره این وعده مورد سوال قرار گیرد.

وعده طلایی زاکانی معادل نیمی از بودجه

هادی حق‌شناس، اقتصاددان و استاندار پیشین گلستان معتقد است، اظهارات چهارنفر از کاندیدای ریاست‌جمهوری در مناظره پنج‌شنبه‌شب که حول سه محور نظام سلامت، نظام یارانه‌ها و نظام آموزش در ایران متمرکز بود، به‌ویژه در بخش یارانه‌ها، برای شهروندان خروجی امیدوارکننده‌ای نداشت. او به هم‌میهن می‌گوید: «یارانه‌ها در اقتصاد ایران از سال ۱۳۸۹ شروع و با مبلغ ماهانه ۴۵ هزار تومان شروع شد. در آن زمان هیچ‌کس گمان نمی‌کرد یارانه‌ها در اقتصاد کشور دائمی می‌شود. زیرا فلسفه پرداخت یارانه‌ها تنها یک مُسکن بود، از آنجا که در آن مقطع قیمت حامل‌های انرژی افزایش یافت، قرار شد یارانه‌ها مختص به دوره گذار باشد. اصل مطلب این بود که باید زیرساخت‌های حمل و نقل و حمل و نقل عمومی تقویت شود و اتلاف منابع به حداقل برسد. اما بعد از گذشت ۱۴ سال از آن تاریخ همچنان به دنبال پرداخت یارانه هستیم.» او بر این موضوع تاکید می‌کند که نمی‌توان این مُسکن را تبدیل به قاعده کرد. ۱۴ سال زمان داشتند که زیرساخت‌ها را اصلاح کنند: «آنچه در مناظره دوم از جانب چهار کاندیدای ریاست‌جمهوری شنیدیم همچنان تداوم مسیر ۱۳۸۹ است. گویا همه مشکل اقتصاد ایران نحوه پرداخت یارانه‌ها است. یکی می‌گوید یارانه طلایی می‌دهم، دیگری وعده کاهش قیمت بنزین به هزار و ۵۰۰ تومان را می‌دهد، آنچه این چهار نفر گفتند، راه درمان نبود، بلکه وعده ارائه مُسکن بود اما این‌بار همه این چهار نفر به دنبال مُسکنی قوی‌تر هستند.» به گفته این استاد اقتصاد، راه‌حل توسعه اقتصاد کشور یارانه و مُسکن نیست و اگر معیشت مردم مطلوب بود، یارانه‌هایی که امروز حجم آن به چندصد هزار میلیارد تومان می‌رسد، صرف زیرساخت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی می‌شد: «اگر امروز از مردم ایران بپرسید که یارانه می‌خواهید یا اینکه با توسعه اقتصاد کشور برای فرزندان‌تان ایجاد اشتغال شود، قطعاً اشتغال انتخاب می‌شود. اگر از شهروندان سوال شود که یارانه می‌خواهید یا تک‌رقمی شدن تورم ۴۰ درصدی کشور، به‌صورت طبیعی مردم کنترل تورم، نقدینگی و